تحقیقات ایرانی: شعر مسعود سعد در دیوان حافظ

نوریان، مهدی

به یاد استاد آزادهء دانشمند

شادروان دکتر امیر حسن یزدگردی

ممکن است با دیدن عنوان فوق،تصور شود که بحث دربارهء بیت معروف:

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم

بار دیگر تازه شده است؛اما این بحث را علامهء قزوینی‏1و دکتر محمد معین‏2به انجام‏ رسانیده‏اند و از فرط اشتهار،نیاز به تکرار ندارد.

موضوع این گفتار،قصیدهء کوتاهی است از مسعود سعد سلمان که در بعضی از چاپهای معتبر دیوان حافظ(چاپهای دانشگاه تبریز3-جلالی نائینی و نذیر احمد4و پژمان بختیاری‏5)از نسخه‏های خطی قدیم و اصیل نقل شده و به حافظ منسوب گردیده‏ است.مطلع قصیده چنین است:

(1)-محمد قزوینی:بعضی تضمینهای حافظ،مجلهء یادگار،سال اول،شماره 8،ص 69.

(2)-دکتر محمد معین:دفاع از دو گویندهء بزرگ،مجموعه مقالات،به کوشش مهدخت معین، مؤسسه انتشارات معین تهران 1364،ص 195 به نقل از جلوه 2،1325.

(3)-دیوان حافظ به تصحیح دکتر رشید عیوضی و دکتر اکبر بهروز،انتشارات دانشگاه تبریز شماره 221،تبریز،1356،ص 536.

(4)-دیوان حافظ به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد،چاپ سوم،انتشارات‏ امیر کبیر تهران،1355،ص 722.در این کتاب ذکری از اینکه شعر به مسعود سعد تعلق دارد نرفته‏ است.

(5)-دیوان حافظ به تصحیح حسین پژمان،کتابفروشی بروخیم،تهران،1318،ص 362. مرحوم پژمان این قصیده را در پایان کتاب و تحت عنوان«اشعاری که از گفتار دیگران به دیوان‏ حافظ الحاق شده است»قرار داده است.

دلم ز انده بی‏حد همی نیاساید تنم ز رنج فراوان همی بفرساید

تعداد ابیات قصیده در دیوان مسعود سعد هفده و در دیوان حافظ چهارده بیت‏ است.ظاهرا نخستین‏بار شادروان پژمان بختیاری به اینکه سرایندهء این قصیده مسعود سعد است نه حافظ،اشاره کرده و نوشته است:«این قصیده در نسخه‏های کهنهء حافظ گاهی‏ ضمن غزلیات و زمانی در ردیف مقطعات مندرج است.»6در حواشی دیوان حافظ به اهتمام جلالی نائینی و نذیر احمد،بدون آنکه ذکری از سرایندهء اصلی قصیده به میان‏ آید،آمده است:«این شعر در جامع نسخ جزو غزلهاست ولی در اغلب نسخه‏ها وجود ندارد.در نسخهء ادیب برومند[مورخ 874]جزو قطعه‏ها ضبط شده است.7»

مصححان دیوان حافظ،چاپ دانشگاه تبریز،نوشته‏اند:«خوانندگان گرامی‏ توجه فرمایند که ما می‏دانیم که قطعهء تنم ز رنج فراوان همی نیاساید...در دیوان‏ مسعود سعد نیز آمده است ولی چون هنوز نسخه‏ای از دیوان مسعود سعد که تاریخ‏ کتابت آن مقدم بر 813 باشد در دست نیست و فعلا در قیمترین مآخذ موجود این‏ شعر به نام حافظ ضبط شده است لذا تا بدست آوردن نسخه‏ای از دیوان مسعود سعد که مقدم بر تاریخ مزبور یعنی 813 و دارای این قطعه باشد نمی‏توان آنرا قطعا از حافظ ندانست.8»طبق این قاعده،اگر قصیدهء«فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر...» نیز تصادفا در این نسخه آمده بود،چون نسخهء قدیم از دیوان فرخی در دست نیست‏ نمی‏توانستیم آن را قطعا از حافظ ندانیم!؟

استاد خانلری می‏نویسد:«در قدیم‏تری نسخهء کامل دیوان،مکتوب در سال 813... یک قصیده از مسعود سعد سلمان مندرج است...و اگر هم این قصیده در دیوان مسعود سعد وجود نداشته باشد باز هرکس که با شیوه‏های شعر و شاعری فارسی در ادوار مختلف‏ آشنا باشد به آسانی درمی‏یابد که این شعر نه‏تنها از حافظ بلکه از معاصران و شاعران‏ دوران زندگی او نیز نمی‏تواند بود.9»به عبارت دیگ بین زبان و اندیشهء این قصیده‏ با غزلهای حافظ سه قرن فاصله است؛و کسانی که با شرح حال و شیوهء سخنوری‏ مسعود سعد آشنا باشند و صورت صحیح و کامل این قصیده را در دیوان او مطالعه کنند، با توجه به سوانح زندگی او هیچ تردیدی در اینکه قصیده به مسعود تعلق دارد و لا غیر، برایشان باقی نمی‏ماند.

\*\*\* (6)-مآخذ بالا،حاشیه صفحه 362.

(7)-دیوان حافظ،جلالی نائینی و نذیر احمد،حاشیهء صفحه 722.

(8)-دیوان حافظ،دانشگاه تبریز،مقدمه،حاشیهء ص بیست و چهار.

(9)-دیوان حافظ،به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری،چاپ دوم،خوارزمی،تهران، 1362،جلد دوم،ص 1141.استاد خانلری،با اطمینان به اینکه شعر از مسعود سعد است،آنرا در دیوان مصحح خود نیاورده‏اند. قطعهء دیگری از مسعود سعد در دیوان حافظ

اما داستان در همین جا خاتمه نمی‏یابد.قطعهء دیگری نیز،به نقل از نسخهء مورخ‏ 822،در دیوان حافظ چاپ دانشگاه تبریز10و چاپ استاد خانلری‏11راه یافته است، بدون آنکه سرایندهء اصلی آن شناخته و ذکر شده باشد،تعداد ابیات این قطعه هشت بیت‏ و نخستین بیت آن بدین‏گونه است:

بسا کسا که مه و مهر باشدش بالین‏ به عاقبت ز گل و خشت گرددش بستر

از قضا این قطعه نیز از مسعود سعد است و قسمتی از یک قصیدهء هشتاد بیتی اوست‏ که در رثای عماد الدوله ابو القاسم خاص از رجال زمان سلطان ابراهیم غزنوی-که‏ در روزگار تاریک زندان پشتیبان و غمخوارش بوده-سروده است.مطلع قصیده‏ چنین است:

گمان بری که وفا داردت سپهر مگر تو این گمان مبر اندر وقاحتش بنگر

و هشت‏بیتی که در دیوان حافظ آمده،از بیست و یکمین بیت این قصیده ببعد می‏باشد.12

\*\*\* اکنون این پرسش باقی می‏ماند که چرا این اشعار در نسخه‏های کهن و معتبر دیوان‏ حافظ وارد شده است؟آیا می‏توان احتمال داد که خواجهء بزرگوار-که سراسر دیوانش‏ حاکی از تتبع عمیق او در آثار گذشتگان و توجه و علاقهء فراوان او به آن آثار است- این شعرها را از کسی شنیده یا در سفینه‏ای خوانده و پسندیده باشد و نسخه‏ای از آن برای‏ خود برداشته باشد و پس از مرگ او،جمع‏کنندگان دیوان،این شعرها را به خط او یافته و از او پنداشته باشند؟و الله اعلم بحقایق الامور.

\*\*\* در پایان،توجه خوانندگان ارجمند را به این نکته جلب می‏کنیم که ضبط اشعار یاد شده،در دیوان حافظ در اکثر موارد غلط و نامفهوم و خارج از وزن است و مقابلهء آن با دیوان مصحح مسعود سعد و نشان دادن موارد اختلاف خارج از موضوع این گفتار است و در میان مصححان دیوان حافظ،مرحوم پژمان بختیاری صورت صحیح ابیات‏ قصیده را از دیوان مسعود سعد در دیوان حافظ خود آورده است.

(10)-ص 538

(11)-جلد دوم،ص 1089.

(12)-گزیده اشعار مسعود سعد،به کوشش مهدی نوریان،انتشارات کمال،اصفهان،1362. ص 40.